

## (۱) طبقات بورژوا و کارگر در ایران در اوایل قرن بیستم

مقدمه<sup>۶</sup> مترجم

---

جامعه شناسی نه تنها پدیده‌ها و سازمانهای اجتماعی را به گونه‌ای که هستند مطالعه می‌کند بلکه در باره<sup>۶</sup> علل و چگونگی پیدایش و دگرگونی آنها نیز به کنکاش و بررسی می‌پردازد و کوشش می‌کند تا با دستیابی بر روابط پایدار و قانونهای حاکم بر این پدیده‌ها در تسریع تحولات اجتماعی و بهتر سازی جامعه از آنان یاری جوید و سودبرگیرد . در چنین سیری از مطالعه ، یک فرض اساسی نهفته است : دگر گونیهای اجتماعی بر طبق قانونهای معینی صورت می‌گیرد و جامعه در هر مرحله خصوصیات ویژه ای دارد و هر مرحله تحت شرایط ویژه ای به مرحله دیگر استحال پیدا می‌کند .

جامعه انسانی از مرحله<sup>۶</sup> شبانی و شکار گذشت و به مرحله<sup>۶</sup> کشاورزی رسید . در جامعه<sup>۶</sup> کشاورزی نظام برده داری در اثر یک سلسله تضاد ها جایش را به فئودالیسم داد . زمان پیدایش و نیز دوام فئودالیسم در کشورهای مختلف متفاوت بوده است ، مثلاً "در روسیه از قرن نهم میلادی تا قرن نوزدهم ادامه داشت و در چین بیش از جاها ی دیگر ماندگار شد : یعنی از قرن سوم قبل از میلاد تا قرن بیستم . لکن ظاهراً "در ایران فئودالیسم از دوره<sup>۶</sup> ساسانیان شکل گرفته است . " در ایران نیز می‌توان گفت که از دوره<sup>۶</sup> ساسانیان فئودالیسم بر جامعه حاکم شد و ضمن پس رویهایی که در اثر عوامل خارجی (هجومها )

---

1- Z.Z. Abdullaev, " Bourgeoisie and Working Class, 1900s in the Economic History of Iran 1800-1914", edited by Charles Issawi, the University of Chicago Press 1971, pp. 42-52 .

داشت سیر تکاملی خود را پیمود تا اینکه در عصر مشروطه در نتیجه بورژوازی داخلی و نفوذ بورژوازی خارجی ضرباتی خورد . خاصه اینکه اشکال ابتدایی تر آن ( تیول ) از میان رفت و شکل متکاملتر آن ملکداری ( مالکیت بدون شرط فئودالی ) در کنار وقف و خالصه همچنان باقی ماند و حتی جای پای خود را محکم کرد . سالهای بعد دوران رکود وافول خالصه بود تا اینکه سرانجام عمر ملکداری و وقف هم به سر رسید " (۲) .

در این مقاله راجع به فئودالیسم در ایران بطور مستقیم بحثی مطرح نمی شود بلکه فقط به شرایط کلی آن - که چگونه تحولات جامعه را ، که عبارت از پیدایش بورژوازی ملی باشد ، به تعویق انداخت - اشاره می شود . از دیدگاه جامعه شناسی اگر تغییرات برونی ، در شرایط حرکت درونی یک جامعه تأثیر شدید نگذارد جامعه سیر طبیعی را طی خواهد کرد ، در غیر این صورت شرایط خارجی یا در پیدایش یک مرحله پیشتر در جامعه کمک خواهد کرد و یا برعکس ، سیر تحولات جامعه را برای مدتی تغییر می دهد و یا شرایط استحاله را دشوار می سازد .

پیدایش و گسترش بورژوازی ملی ایران با دومانع و مشکل اساسی روبرو بود :

الف - شرایط درونی جامعه که عبارت بود از : ۱- گرانجانی نظام فئودالی با ویژگیهای ایرانی ، ۲- خصلت سیاسی حکومت فئودالی که پایه اصلی سرکوبی نهضت های اجتماعی و مانع اساسی توسعه و پیشرفت صنایع ملی و در نتیجه تضعیف بورژوازی صنعتی کشور بود .

ب - شرایط بیرونی یعنی استعمار دول خارجی بویژه انگلیس و روس ، که ویژگیهای آن عبارت است از : غارت و چپاول نه تنها مواد خام و منابع طبیعی کشور بلکه به دست آوردن حداکثر سود از ایجاد بازار برای فروش کالاهای خود . ( این عوامل اسباب ورشکست شدن صنایع ملی را فراهم آورد و در نتیجه بورژوازی ملی ، بویژه بخش صنعتی آن را تضعیف کرد و سرانجام سبب وابسته کردن سرمایه های ملی به نظام سرمایه داری جهانی و قدرتهای استعماری شد ) .

در بحث از دیگر گونیهای اجتماعی به تغییرات جامعه از درون توجه می شود که تحت چه شرایطی چه پدیده هایی سبب آنها گشته اند . در زمینه تبدیل نظام های مختلف اجتماعی ، بطور اخص در ایران درباره تغییر نظام فئودالی به نظام بورژوازی و صنعتی کردن کشور ، غالباً " سؤال می شود که چرا این جامعه صنعتی نشده است ؟ برخی عقیده دارند

(۲) م . ر . آرونووا ، اشرفیان ، دولت نادر شاه افشار ترجمه حمید موه منی از انتشارات موه سسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۵۲ ، نقل از سر سخن مترجم ص . چهارده .



که شرایط درونی و تحولات داخلی جامعه برای صنعتی شدن و پیدایش بورژوازی ملی بویژه بخش صنعتی آن نامساعد بوده است . این گونه افراد حتی گاهی راه مبالغه پیموده و برای توجیه نظر خود به راء ی ماکس وبر متوسل می شوند که حداقل رابطه بسیار نزدیکی است بین روح سرمایه داری و اخلاق پروتستانی (۳) . با این بینش ایران و همه کشورهای دیگر نیز که چنین خصایص و شرایطی نداشتند یکجا در گروه واحدی قرار می گیرند که نتوانستند از نظام فئودالی به نظام بورژوازی استحاله پیدا کنند . در اینجا از نقد نظریه ماکس وبر صرف نظر شده (۴) تنها برای این نکته تأکید می شود که جوامعی مانند ایران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر اثر تحولات درونی به سوی بورژوازی سیر می کردند و اگر شرایط نامساعد استعماری این سیر را دگرگون نمی کرد آنها مانند هر جامعه دیگر در این راه توفیق می یافتند . در روشن کردن و تاءید این نظریه ، مقاله زیر شرایط عینی را در ایران به دست می دهد و با تکیه بر واقعیتها علت اساسی صنعتی نشدن کشور را در نیروی استعمار و پایگاههای وطنی اش می داند .

مقاله حاضر ترجمه یکی از مقاله های کتابی است به نام تاریخ اقتصادی ایران (۵) (مربوط به سالهای ۱۸۰۰-۱۹۱۴) که چارلز عیسوی استاد دانشگاه شیکاگو آنرا ویراسته و در سال ۱۹۷۱ به وسیله دانشگاه شیکاگو چاپ کرده است .  
دانشگاه شیکاگو در بخش مطالعات خاورمیانه کوشید تا مجموعه ای منظم از تحقیقات را فراهم آورد . اولین مجموعه با نام تاریخ اقتصادی خاورمیانه (۶) در سال ۱۹۶۶ چاپ شد . چاپ کتاب تاریخ اقتصادی ایران دومین نشریه در این زمینه بود .

---

3- Max Weber. The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism. N.Y, 1958.

(۴) برای اطلاع رجوع شود به مقاله .

" پیشرفت و عقب ماندگی در جهان معاصر: مقایسه نظریات اسمیت و مارکس با نظریات ماکس وبر " نوشته آندره گاندر فرانک ترجمه عبدالمعبود انصاری، در همین شماره .

5- The Economic History of Iran, 1800-1914, Edited by Charles Issawi, The University of Chicago Press. 1971, pp, 42-52.

6- The Economic History of the Middle East, University of Chicago Press, 1966.

مقاله<sup>۶</sup> حاضر نیز که به وسیله<sup>۶</sup> استاد عبداله‌اف دانشمند شوروی نوشته شده می‌کوشد تا پیدایش و پویش و شکل‌گیری دوطبقه<sup>۶</sup> جدید بورژوازی و کارگر صنعتی را که در نتیجه<sup>۶</sup> انتقال اقتصاد جامعه<sup>۶</sup> ایران در قرن نوزدهم صورت گرفته ، با استفاده از اسناد و مدارک نشان دهد .

ترجمه<sup>۶</sup> این مقاله پیش از چاپ از نظر تیزبین و مو شکاف استادان فاضل و دانشمند جناب دکتر اصغر مهدوی و دکتر ناصر پاکدامن گذشته است . از توجه ژرفی که در جایگزینی برخی از واژه های مناسب و اصلاح پاره ای نکات و بعضی از اسامی و توضیح فزونتری که در برخی موارد برای روشن تر کردن داده اند صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید . نیز اضافه می‌کند که آقای دکتر مهدوی علاوه بر اصلاحات فوق‌الذکر ، آنجایی که به نظر ایشان نویسنده<sup>۶</sup> مقاله دچار سهو شده است ، توضیحات بسیار سودمند و اطلاعات مفیدی ذکر کرده‌اند که عیناً " وبدون دخل و تصرف برای اطلاع خوانندگان به صورت زیر نویس در مقاله آورده شده است . بنابراین همه<sup>۶</sup> زیر نویسهای مقاله بیانات ایشان است مگر آنجایی که با حرف " م " مشخص شده و از مترجم مقاله می‌باشد .

در ضمن برای اطلاع خوانندگان ، اصل نوشته‌ای که از طرف حاج محمدحسن امین دارالضرب برای تشکیل بانک مختلط نوشته شده است ضمیمه<sup>۶</sup> مقاله حاضر گردید .

## طبقات بورژوا و کارگردر ایران در اوایل قرن بیستم

تجار و بازرگانان که بخش مهمی از جمعیت شهری را تشکیل می دادند در زندگی و حیات شهرهای ایران نقش مهمی بازی کرده اند . بازرگانان کوچک و متوسط نمایندگان نیرویی بودند که روابط تجاری بین شهر و روستا را بوجود آوردند . پوشش قشر بندی طبقاتی جامعه ایرانی ، با وجود کندیش طبقه تجار محلی را گسترش بیشتری داد . بعلاوه ، سالهای قحطی و افزایش تقاضای محصولات کشاورزی معین ، آهنگ این گسترش را با متمرکز کردن سرمایه تسریع کرد .

کمیاب نبود ، معاملاتی که به وسیله مالکان ثروتمندی انجام می شد که در شهرها سکونت داشتند . چنانکه آترپت ( Atrpet ) می نویسد: " بسیاری از صاحبان دهات با به جیب زدن ثروت های مملکت در زمانی خیلی کوتاه به سرمایه داران کلان تبدیل شدند " . ( منظور او از صاحبان دهات مالکان است ) . او ادامه می دهد که :  
" تا سال ۱۸۸۰ ( ۱۲۵۹ شمسی ) تعداد میلیونرها و صاحبان املاک اندک بود ، ولی در سال ۱۹۰۰ ( ۱۲۷۹ شمسی ) می شد آنها را صد تا صد تا شمرد " (۱) چنین صاحبان املاکی ، با انبار کردن و احتکار دائمی محصولات و بالا بردن مصنوعی قیمت ها ، ثروت های هنگفتی بهم می زدند .

مقامات عالی دولتی نیز عملیات مشابهی انجام می دادند . " تاکنون هیچ حاکمی در کرمان به اندازه بهجت الملک ثروت\* به جیب نزد . . . همه محصولات محلی از گندم ، جو ، نخود ، عدس ، پنبه ، پشم ، کره و غیره گرفته تا تخم خشخاش و کشت تریاک به وسیله ایشان خریداری و در انبارها نگهداری می شد تا در زمستان به سه برابر قیمت معمولی فروخته شود " . (۲)

کاساگوسکی ( Kosagovskii ) نمونه های قانع کننده ای از خریداران متشخص غلات به دست می دهد که با دربار و روحانیون آذربایجان بستگی نزدیکی داشتند : (۳)

---

\* بهجت الملک از طرف عبدالحسین میرزا فرمان فرما در کرمان حکومت داشته .



در نتیجه چنين دسيه هايي بر قيمت محصولات کشاورزي هر سال افزوده مي شد . بنا به گفته آتريت قيمت يك خروار گندم كه تا سال \* ۱۸۷۰ ( ۱۲۴۹ شمسي ) دوتومان بود در سال ۱۸۹۵ ( ۱۲۷۴ شمسي ) به چهار تومان \* رسيد . شواهد نشان مي دهد كه در او اخر قرن نوزدهم و او ايل قرن بيستم قيمتها سريعتر از پيش افزايش يافتند . در سالهاي ۱۸۹۵-۱۹۰۵ ( ۱۲۷۴-۱۲۸۴ شمسي ) قيمت گندم شش برابر افزايش يافت . (۴)

با توسعه تجارت ، نقش بازرگانان محلي در معامله محصولات باارزشي مانند ابريشم ، برنج و تريك فوق العاده مهم شد . تجار گيلان كه دست اندركار معامله ابريشم بودند ، تا آغاز قرن بيستم با بازرگانان روسي و اروپاي غربي رقابت مي كردند . (۵) درميان بازرگانان قدرتمند ايراني مي توان حاج محمد حسن امين دارالضرب را نام برد كه بعد از مرگش در سال ۱۸۹۶ \* پسرش حاج محمد حسين امين الضرب اداره تجارتخانه را به عهده گرفت . دارايي و ثروت اين خانواده در حدود ۲۵ \* ميليون تومان بود . اين خانواده در فعاليتهاي بانكي نيز شركت مي كرد و به سرمايه گذاري در صنعت وساير رشته هاي بازرگاني علاقمند بود . امين الضرب در رشته هاي وسيعي از تجارت در بسياري از بازارهاي خارجي نيز فعاليت داشت . وي در همه شهرهاي مهم ايران هم براي خريد و فروش كالاهم براي انجام سپرده ها و حواله هاي پولی وساير كارهاي بانكي نمايندگي داشت . او نه تنها در ايران بلكه در مسكو و نيژني نووگورود ( Nizhni Novgorod ) \* املاك فراوان داشت . امين الضرب تجارتخانه عظيمي در مarseilles ( مarseilles ) و نمايندگيهايي در لندن ، پاریس و چين و طرف معاملات متعددي در بسياري از شهرهاي اروپا و آسيا و آمريكا داشت . (۶)

\* در سال ۱۲۸۸ ، يعني سال قحطي ، گندم در تهران خرواري ۱۴ تومان بود و برنج هر ۴ من تبريز ۵/۷۲۵۰ تومان بوده است .  
 \* شايد از ۴ تومان هم بيشتري بوده .  
 \* نويسنده مقاله اشتباه کرده است . فوت حاج محمد حسن در ۲۲ دسامبر ۱۸۹۸ مطابق ۸ شعبان ۱۳۱۶ اتفاق افتاده است .  
 \* اين رقم اغراق آميز است و تخمين بانك شاهي ، كه آن را در حدود ۲ ميليون ليبره گفته است ، صحيح تر به نظر مي رسد .  
 \* مكاريه در اصطلاح تجار ايراني ، حاج محمد حسن امين دارالضرب در آنجا كاروانسرايي داشته كه در فصل بازار مكاريه ۲۵ ژوئيه - ۱۰ سپتامبر اطاقهاي آن رابه تجار ايراني اجاره مي داده اند .

کاساگووسکی اظهار می کند بیشترین معاملات کلان پولی باخارجیان مستقیماً<sup>\*\*</sup> با امین الضرب بزرگ صورت می گرفت . (۷) حاج محمد حسن ده سال قبل از پایان قرارداد بانک شاهی به شاه پیشنهاد تاء سیس یک بانک دولتی را داده بود که سرمایه اش ترکیبی از سرمایه دولتی و خصوصی بود . ولی به این پیشنهاد معقول هیچ پاسخی از دربار داده نشد . (۸)

ما بغیر از امین الضرب نماینده سرمایه ملی دیگری را که باوی قابل مقایسه باشد نمی شناسیم . در شهرهای بزرگ صنعتی - بازرگانی نیز تجار بزرگی بودند که فعالیت های تجارتی قابل ملاحظه ای داشته و حتی کارهای بانکی می کردند . از جمله اینان حاج محمد اسماعیل مگازی<sup>\*\*\*</sup> Magazi تبریزی بود که در تهران دارای نفوذ زیادی بود و در متحد کردن بازرگانان و بانکداران نقش فعالی به عهده داشت . (۹)

حاج آقا محمد معین التجار ، سلطان مالی جنوب ایران بود که املاکش در اهواز و در سواحل خلیج فارس یک میلیون تومان می ارزید . او قسمتی از سرمایه اش را در معامله خاک سرخ جزیره هرمز ، که در حجم زیادی با هندوستان ولندن ادامه داشت به کار انداخته بود و با انگلیسیها نیز رابطه نزدیکی داشت . (۱۰) تاجر دیگری به نام حاج محمد تقی شاهرودی<sup>\*</sup> که به داشتن ثروت کلان شهرت داشت ، معاملات سنگینی در زمینه صادرات و واردات با روسیه داشت و به سرمایه گذاری در صنعت و دیگر فعالیت های مربوط به ایجاد موءسسات اقتصادی علاقه فراوان نشان می داد . (۱۱) ارباب جمشید ، نماینده زردشتیان

---

<sup>\*\*</sup> نویسنده مقاله در این باره دچار سهو شده است ، زیرا پیشنهاد حاج محمد حسن امین دارالضرب ده سال پیش از تاء سیس بانک شاهی می باشد . در این زمینه در ص ۶۵ تاریخچه سی ساله بانک ملی چنین می خوانیم .

" در سال ۱۲۵۸ (۱۲۹۶ هجری قمری) ، یعنی ده سال قبل از تشکیل بانک شاهنشاهی پیشنهادی از طرف حاج محمد حسن امین دارالضرب ، یکی از صرافان بزرگ و روشن بین ، تقدیم ناصرالدین شاه شد . در این پیشنهاد ، پس از اشاره به تاء شیر بانک در پیشرفت صنعتی کشورهای اروپا و ذکر اینکه رواج صنعت واحداث خطوط آهن و تلگراف در ایران بدون ایجاد بانکی بزرگ میسر نیست ، تاء کید شده است که چنین موءسسهای باید با اشتراک و اتفاق دولت و ملت به وجود آید . . . متاء سفانه این طرح ، که در صورت اجرا شاید مجالی برای بیگانگان در این زمینه باقی نمی گذارد ، جامه عمل نپوشید و بانک شاهنشاهی ایران ، به شرحی که گذشت ، به صورت بانک دولتی در ایران مستقر شد " - م .

<sup>\*\*\*</sup> به هنگام بست در سفارت روس انتحار کرد .  
<sup>\*</sup> همین درباره حاج محمد تقی شاهرودی کافی است که از طرفداران ایجاد صنایع و راه آهن در ایران بوده و در موضوع دادن امتیاز راه آهن به آلمانها دخالت داشته است .



ایران ، که از شاگرد خیاطی به یکی از بزرگترین بانگداران تهران رسید ، در تمام ایران فعالیتهای تجارتي و بانکی داشت . (۱۲) شخص دیگری به نام حاج ملک التجار نه‌تنهادر تهران بلکه در تمام آذربایجان نفوذ زیادی داشت و در دنیای بازرگانی ایران وزنه سنگینی به شمار می رفت . (۱۳)

در نتیجه افزایش مشارکت ایران در بازار سرمایه داری جهانی در آغاز قرن بیستم ، به تعداد نمایندگان تجار بزرگ ایرانی در پایتختهای مختلف دنیا به صورت قابل ملاحظه‌ای افزوده شد . در این دوره به تخصصی شدن بازرگانان تاءکید می شد . بدین معنی که تجار ایرانی که معمولا " در یک زمان به تجارت پنبه ، غلات و پوشاک می پرداختند ، حالا شروع به محدود کردن فعالیتهای بازرگانی خود در زمینه های تخصصی مشخص کردند\* . هر یک از بازرگانان به تجارت پنبه یا محصولات مهم دیگری که در حیات تجاری کشور نقش عمده داشت ، می پرداخت (۱۴) . معمولا " سرمایه بازرگانان بزرگ از حدود ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان (۱۵) تجاوز نمی کرد و در بازارهای محلی بازرگانان کوچک و متوسط بروشنی حالت غالب داشتند .

علی رغم تسلط فئودالیزم ، شرایط عینی باعث توسعه بیشتر بازار داخلی ، مشترک و ملی شد . این جریان با فقیر شدن دهقانان ، نابودی تولید کنندگان کوچک ، توسعه بازار و مناسبات پولی در کشور و تخصصی شدن نواحی مختلف ، اهمیت و قوت یافت\* . علیرغم موانع جدی ، پیوندهای اقتصادی بین استانهای مختلف وجود داشت .

آ.میلر ( A.Miller ) می نویسد " سیستان بدون کالاهای وارداتی نمی توانست بقاء یابد " (۱۶) ! معهذا تسلط اقتصاد معیشتی در روستاها ، جدایی کند صنعت از کشاورزی و ضعف اشکال سرمایه داری تولید بطور جدی شکلبندی (فرماسیون) بازار داخلی را به تعویق انداخت و این جریان به نوبه خود درپوش تراکم سرمایه در بخش صنعت و تولیدات بزرگ تاءثیر سوء گذاشت .

شکلبندی بازار داخلی\* هرچند کند بود ، ولی در توسعه اقتصاد ایران و نیز در گسترش روابط بیشتر با نظام بازار سرمایه داری جهانی اهمیت برجسته‌ای داشت .

\* از جمله تجار بزرگ ، توما نیانس یا برادران تومانیانس بودند که از زمان ناصرالدینشاه تا انقلاب روسیه ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ شمسی) باروسیه خصوصا " تجارت زیادی داشتند و بعد ورشکست شدند .

\* این فرضیه صحیح نیست و مطلب به نحو دیگری است . علت اصلی شیوع محصولات مصنوعی خارجی در ایران است به جای محصولات داخلی .

\* بازار داخلی در ایران از قدیم تشکیل شده بود ، ولی از اواخر قرن نوزدهم تغییر قطب در آن به وجود آمد .



بسیار مهم است که با آغاز دهه \* ۱۸۸۰ (۱۲۵۹ شمسی) شرکتهای ملی مختلفی در ایران ظاهر شدند که در بازارهای داخلی و خارجی به معاملات وسیعی دست می زدند. بنابراین در سال ۱۸۸۲ (۱۲۶۱ شمسی) در نتیجه ابتکار مشهدی کاظم امین شرکت "امینی که بعداً" از شهرت بسزایی برخوردار گشت، تشکیل شد. (۱۷) در حدود سال ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ شمسی) "شرکت تجارتي ایران" با سرمایه‌ای بالغ بر ۳۵۰ هزار تومان تشکیل شد. (۱۸) در سال ۱۸۹۲ شرکت "منصوری" در یزد تاسیس شد. (۱۹) تقریباً "چهار سال بعد شرکت "فارس" تحت نظر حاج عبدالرحیم شیرازی در شیراز ایجاد شد که فعالیتش تا اواخر دهه اول قرن بیستم ادامه داشت. (۲۰)

در سال ۱۸۹۷ (۱۲۷۶ شمسی) بازرگان مشهور حاج مهدی کوزه کنانی با کمک برادران خود و مساعدت حاج سید مرتضی صراف شرکت "اتحاد" را در تبریز تاسیس کرد که تا ۱۵ سال به فعالیتش ادامه داد. (۲۱)

در سال ۱۸۹۸ (۱۲۷۷ شمسی) به ابتکار تاجر مشهور حاج محمد حسین کازرونی شرکت "مسعودیه" در اصفهان ایجاد شد. این شرکت فعالیت‌های بازرگانی و بانکی داشت. در همان زمان همین افراد شرکت "اسلامیه" را با سرمایه‌ای بالغ بر ۱۵۰ هزار تومان در اصفهان ایجاد کردند که توزیع منسوجات محلی در سطحی وسیع جزئی از فعالیت‌هایش را تشکیل می‌داد. (۲۲) در سال ۱۸۹۹ (۱۲۷۸ شمسی)، هفده نفر از تجار و صرافان تهرانی شرکت "عمومی" را با سرمایه‌ای بالغ بر یک میلیون تومان تاسیس کردند. فعالیت این شرکت عبارت بود از تجارت داخلی و خارجی و کارهای بانکی. شرکت مزبور پس از پنج سال به سبب اختلافات بین اعضایش از هم پاشیده شد. (۲۳) در میان یادداشت‌های روزانه کاساگووسکی راجع به ایجاد شرکتی به وسیله گروهی از تاجران و صرافان با نفوذ تهران از جمله برادران تومانیانس، حاج لطف علی اتحادیه، حاج باقر ملک\* التجار و سایر شرکتهای مشابه برای خنثی کردن فعالیت‌های بانک شاهی انگلیس مطلبی هست. (۲۴) این اتحادیه از ناراضی‌تانی توده‌های مردم از فعالیت‌های بانک شاهی استفاده کرد و بریتانیا را بطور جدی به هراس افکند.

بر مبنای واقعیت‌هایی که ذکر شد، می‌شود گفت که دهه ۱۸۸۰ (۱۲۵۹ شمسی) ظهور اولین اندوخته‌های سرمایه بازرگانی مشترک و ملی را، که در تجارت داخلی و خارجی در سطحی وسیع به کار افتاد، نشان می‌دهد. در این دوره اولین کوشش‌ها برای محدود کردن

\* تاریخ ۱۸۸۰ میلادی که مطابق با ۱۲۹۸ قمری (۱۲۵۹ شمسی) است صحیح به نظر نمی‌رسد و تاسیس شرکت‌ها را در ایران باید به دوران مظفرالدین‌شاه، یعنی حوالی ۱۳۱۵

(۱۸۹۸ میلادی) به تاسیس خیرانداخت.

\* حاج کاظم ملک التجار صحیح است.

تسلط سرمایه‌های خارجی در ایران از طریق بورژوازی نوحاسته ملی به عمل آمد .  
 ظهور شرکتهای تجاری و بانکی جنبه تصادفی نداشت ، آنها حتی در شهرهای کوچک به وجود آمدند . \* مثلاً " در ساوجبلاغ شرکت " ساوجبلاغی " و در شاهرود شش شرکت محلی وجود داشت که فعالیتشان منحصر به تجارت با روسیه بود . (۲۵)

همراه با این جریان ، بازرگانان که در یک زمینه فعالیت می کردند اتحادیه‌های تشکیل دادند تا بازار را تابع سود خود کنند . برای نمونه در گیلان قیمت پیلهدرهر ناحیه‌ای به وسیله اتحادیه پرورش دهندگان کرم ابریشم تعیین می شد (۲۶) . بنا به گفته آتروپت در آذربایجان مالکان بزرگ اتحادیه‌های تشکیل دادند و قیمت‌های گندم را آنها تعیین می کردند . (۲۷) در طی جنگ جهانی اول " اتحادیه تجار " به ریاست امین‌الضرب که قبلاً " از او نام بردیم ، فعالیت شدید داشت (۲۸) .

در این دوره ، سرمایه بازرگانی دیگر نقش ساده واسطه‌ای - که عبارت بود از مبادله کالاهایی که به وسیله تولید کنندگان کوچک ساخته شده بود و سهمی شدن در محصول مازاد که زمینداران به خود اختصاص داده بودند - نداشت . بازرگانان ایرانی مرتباً " با خریدن کالا از تولید کنندگان کوچک \* و فروش دوباره آنها به فعالیت خود می افزودند .

سرمایه ملی منبع اجتناب ناپذیری برای حمایت مالی از عملیات بازرگانی وسیع بود . از این نظر صرافان ، که نمایندگان اولیه نهاد بانکی بودند و کارهای بانکی را در ناحیه خود و در تمام کشور و حتی گاهی اوقات در سرزمین‌های دیگری انجام می دادند ، سهم بسیار مهمی داشتند . چند تا از شرکتهای تجاری و کمپانی‌هایی که نام برده شده‌اند کارکردهای صرافان را انجام می دادند . علاوه بر این تجارتخانه " جهانیان " ، که در سال ۱۸۹۰ (۱۲۶۹ شمسی) \* در یزد تاسیس شد عملیات بانکی را نیز به عهده داشت . تاریخچه این شرکت نمونه روشنی است از انتقال بازرگانان - که به اجاره کاری و تجارت پنبه می پرداختند - به بانکداران جدید که حتی حکومت مرکزی به خدمات آنها نیاز شدید داشت (۲۹) . تجارتخانه تومانیان همراه با معاملات مربوط به صادرات و واردات و اجاره داری کارهای بانکی را نیز در سطح وسیع انجام می داد . این بنگاه اقتصادی ، که در زندگی اقتصادی ایران نقش مهمی بازی کرد ، از یک مغازه کوچک شروع شد که به وسیله هارتون طومانیان

---

\* شرکتهایی در مازندران وجود داشتند که مدارکش را دارم .  
 \* در این دوره ، کار عمده تجار ایرانی نزدیک کردن محصولات صنعتی اروپایی بود به بازارهای فروش محلی . مداخل عمده ایشان از این راه تاسیس می شد و از این راه بود که سرمایه مالی نزد ایشان متمرکز گردید .  
 \* به اقرب احتمال در کرمان ونه در یزد .



(یک ارمنی) در اواسط قرن نوزدهم در تبریز دایر شد. اینها خشکبار و پیله صادر و اسباب فلزی وارد می کردند. (۳۰) فعالیت و توسعه این شرکت، همانند شرکت جهانیان، نشان می دهد که امکان داشت سرمایه قابل ملاحظه‌ای به وسیله این بازرگانان که به تجارت خشکبار، پیله، ابریشم، پنبه و کالاهای دیگر می پرداختند و مرتباً "تقاضا برای این گونه کالاها در بازارهای جهانی زیاد تر می شد متمرکز شود. برادران تومانیانس (چهار نفر بودند) که به اهمیت تجارت این کالاها توجه داشتند برای کسب ثروت بیشتر به ایجاد مزارع تولید این گونه محصولات پرداختند. موفقیت برادران تومانیانس آنها را قادر کرد تا سرمایه‌ای بالغ بر سه میلیون تومان به هم بزنند و فعالیت خود را در روسیه گسترش دهند و حتی با بانک شاهی به رقابت برخیزند (۳۱). برادران تومانیانس برای تحکیم موقعیت طبیعی خود در توسعه تجارت تبعه روسیه\* شدند که این امر در موفقیت بعدی آنها تأثیر زیادی داشت.

تجارتخانه جمشیدیان"، که نماینده زردشتیان یزد بود، از نفوذ فوق العاده‌ای برخوردار بود. ارباب جمشید رئیس تجارتخانه فعالیت خود را با صنعت نساجی شروع کرد و بزودی به کارهای صرافی نیز پرداخت و در شیراز و کرمان شعبه ایجاد کرد و در شهرهای کلکته تا بغداد و بمبئی و پاریس نماینده داشت. ارباب جمشید در دوره اول مجلس به نمایندگی برگزیده شد و بعنوان بانکدار بزرگ با دولت و دیگر بزرگان مملکت رابطه معاملاتی داشت. "جمشیدیان" نیز، همانند بنگاههای تجاری دیگر، مقدار معینی از سرمایه‌اش را در کشاورزی به کار انداخت و املاک بزرگی در اطراف تهران و خراسان و فارس خریداری کرد. معهد این شرکت، در نتیجه عدم توجه کافی به محدودیت هایش، سرانجام از عهده انجام تعهدات خود در برابر بانک استقراضی روس و بانک شاهی برنیامد و در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ شمسی) ورشکست شد. (۳۲)

در کنار صرافان بزرگ، که همزمان با صرافی به تجارت نیز می پرداختند، در شهرهای بزرگ، گروههایی از صرافان کوچک و متوسط بودند که فعالیت‌هایشان محدودتر بود. مثلاً بعنوان نمونه، بنا به گفته کرزن، در مشهد ۱۱۴ صراف و نزول خوار

---

\* تجار جنوب ایران با انگلستان و هندوستان و تجار شمال ایران با روسیه بیشتر سروکار داشتند. علقه تومانیانس‌ها به روسیه تنها از راه تجارت نبود بلکه آرامنه شمال ایران بیشتر به روسیه توجه داشته‌اند، ولی تومانیانس‌ها به علت وسعت عمل و زیادی سرمایه از همه بیشتر معروف بودند. خصوصاً که اموال و املاک زیادی در روسیه بهم زده بودند.

وجود داشت که جمع سرمایه آنها بالغ بر ۹۳۱ هزار تومان می شد. در میان آنان فقط دونفر صد هزار تومان، پنج نفر سی تا ۵۰ هزار تومان داشتند و سرمایه بقیه زیاد قابل ملاحظه نبود. (۳۳)

با وجودی که دایما " کار صرافان علیرغم موانع جدی رونق بیشتری می یافت معهذای نمی توانست نیازها و تقاضاهای اقتصاد ایران را برآورده کند. بانک شاهی و بانک استقراضی روس دومانع بسیار اساسی در راه آنها بودند. علاوه بر این نزاع بین بریتانیا و روسیه بر سر تسلط بر نظام مالی ایران - که اساسا " با کمک این بانکها صورت گرفت - بر وضعیت مالی دولت و میزان ریال تاءثیر گذاشت.

کوششهای بورژوازی ایرانی در سالهای اولیه مشروطیت (انقلاب ۱۱-۱۹۰۵ برابر ۱۲۸۴ شمسی) برای تاءسیس یک بانک ملی سبب پیدایش نظریه ایجاد یک بانک داخلی برای حمایت مالی از صنعت و تجارت شد تا بدین وسیله تسلط روز افزون بانکهای خارجی بر اقتصاد ایران درهم شکسته شود.

فقدان شرایط طبیعی برای توسعه بورژوازی ملی و اوضاعی که در نتیجه افزایش دایمی نفوذ سرمایههای خارجی و تسلط مناسبات فئودالی ایجاد شده بود اقتضا می کرد که بورژوازی سرمایههای خود را در تولید محصولات کشاورزی مانند پنبه، تریاک و غیره - که در بازارهای جهانی تقاضاهای زیادی برای آنان بود - به کار اندازد. بنابراین در نتیجه تسلط بانکهای خارجی، منابع بورژوازی نخواستہ ایرانی ابزار قدرتمند سیاست استعماری شد و در تولید مواد خام کشاورزی، که برای صنایع کشورهای سرمایه داری لازم بود به کار گرفته شد. بیگانگان از طریق وامها و بانکها، نظام مالی ایران را تحت کنترل خود در آوردند و سرمایه ملی ایرانی حالت وابستگی پیدا کرد. این امر تاءثیر مصیبت باری در پویش اولیه تراکم سرمایه و بطور عام در خصلت بورژوازی داشت. معهذای در دوره بین ۱۸۸۰ (۱۲۵۹ شمسی) و جنگ جهانی اول در نتیجه قرار گرفتن ایران در مدار بازار سرمایه داری جهانی و عواملی دیگر پیشرفت محسوسی در تجمع اولیه سرمایه حاصل شد.

---

\* همین بانکها بودند که وسایل برچیده شدن یا ورشکست شدن دستگاههای بزرگ تجارتي و صرافانی را سبب گردیدند. جمشیدیان تنها ورشکست نشد، آقا غلامحسین هراتی قبل از او، همچنین جهانیان و شرکت عمومی که حاج محمد کاظم مکواتی تاءسیس کرده بود به علت مداخلات بانک شاهی و بانک استقراضی روس ورشکسته شدند. زیرا روحیه بازرگانی ایرانی و مخصوصا " صرافانی و بانکداری ایرانی با روحیه بازرگانی و بانکداری اروپایی تباین داشت و در این باب باید مفصلا " تحقیق کرد.



دربحث راجع به بورژوازی خارجی و موقعیت آن ، ضرورت دارد جایگاه و کارکرد سرمایه خارجی در تجارت ایرانی نیز مورد توجه قرار گیرد . عامل اصلی نفوذ موفقیته آمیز سرمایه خارجی در محدوده تجارت ، امتیازات و امکاناتی بود که از نظام کاپیتولاسیون - که برای ایران تحمیل شده و دروازه های مملکت را به روی سرمایه های خارجی گشوده بود - ناشی می گردید . در همان زمان تجار ایرانی مجبور به پرداخت مالیاتهای گوناگون بودند که این امر برای ایجاد و شکلبندی بازار ملی موانع خیلی جدی به وجود آورد . برای نمونه ، مالیات راهداری بین بندر انزلی (پهلوی کنونی) و اصفهان باید در رشت ، قزوین ، تهران ، قم ، کاشان و اصفهان ، یعنی ۶ دفعه ، پرداخت می شد . عوارض دیگری نیز بود - مثل قپانداری - که در حکم مالیات مستقیم به شمار می رفت . کالاهای خارجی ، که از هر نوع مالیات و عوارض معاف بود ، بدون هیچ مانعی به شهرها و نواحی مختلف ایران سرازیر می شد . بنابراین سرمایه خارجی در بازار کشور حالت غالب و مسلط پیدا کرد . برای نمونه سرنوشت محصولات محلی مهمی مانند پنبه ، برنج ، پنبه ، تریاک ، توتون کتیرا ، خشکبار و قالی در دست شرکتهای خارجی بود . و اگر در این زمینه ، سرمایه محلی فقط نقش فرعی داشت در تجارت کالاهای وارداتی که سرمایه خارجی قدرت اصلی را دارا بود اوضاع به مراتب وخیمتر بود . با این همه مشارکت قابل توجه ایران در بازار مبادلات کالای جهانی هر چند بکنند صورت می گرفت ، در انتقال اقتصاد کشور نفوذ مثبتی داشت . نیازهای توسعه اقتصادی و تجاری در ایران ایجاب می کرد که پراکندگی فئودالی و بقایای تقسیمات قرون وسطایی بفوریت درهم فروبریزد . غلبه بر تولید پراکنده فئودالی خیلی کند صورت می گرفت و با مشکلات فراوانی روبرو بود . متمرکز کردن حکومت در کشور به دست مالکان اشراف ، که مملکت را به سرمایه خارجی فروخته بودند ، توانایی بورژوازی ایرانی را شدیداً محدود کرده و در راه توسعه آن مانع عظیمی ایجاد کرده بود . \*

در همه نقاط کشور بازرگانان و تجار از ستمهای حاکمان و مقامات دولتی رنج می بردند . میزان قبلی توسعه کند صنعت ملی در ایران بعد از سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰ شمسی) حتی کندتر هم شد . فعالیتهای اقتصادی که شروع شده بود از لحاظ وسعت و اهمیت نمی توانست

---

\* سقوط سلطه اشراف ایران از اواخر ناصرالدین شاه شروع شد . کسانی که اهمیت داشتند مالکین محلی بودند که در دوره مشروطیت عملاً "حکومت را در دست داشتند و دیگر به طبقه بازرگانان و به نظام فئودالی مالکان بزرگ نباید آن قدر اهمیت داد . کار از جاهای دیگر عیب داشت و انحطاط اقتصادی و سیاسی با هم شروع شده بود .

حتی جزء صنایع متوسط به شمار آید . بنا به گفته جمالزاده در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ شمسی) یک کارخانه آجوسازی در تهران دایر شد . (۳۵) در همان سال یک کارخانه فشنگ سازی در تهران ایجاد شد . (۳۶) در سال ۱۹۱۲ (۱۲۹۱ شمسی) در سبزوار یک کارخانه پنبه پاک کنی ، \* که متعلق به حاج محمد علی اصفهانی بود ، مشغول به کار بود . در شهر بارفروش \* یک کارخانه پنبه پاک کنی به حاج سید حسین \* و کارخانه ای دیگر در ساری به امین الضرب تعلق داشت . در سال ۱۹۱۵ در ناحیه نیشابور عبادزاده وهراتی یک کارخانه پنبه پاک کنی تاء سیس کردند که دارای دوموتور بنزینی به قوه دهاسب و دو ماشین پنبه پاک کنی بود . (۳۷) برخی نشانه ها حاکی است که در زمان جنگ در مازندران یک کارخانه \* قند ایجاد شد ، ولی ما هنوز نتوانسته ایم این موضوع را کاملا " تاء یید کنیم .

در جریان توسعه سریع سیاسی در ایران و تبدیل کشور به یک منطقه جنگی و مورد تجاوز قرار گرفتن تمامیت ارضی آن ، به سبب مزدور بودن طبقات حاکم ، صدمات فراوانی به صنعت وارد آمد . روشن ترین نمونه این جریان سرنوشت امین الضرب و فعالیت های اقتصادی اوست . حاج محمد حسین امین الضرب ثروتمند ترین و بانفوذ ترین تاجران ایرانی بود که در شهرهای مسکو ، نیژنی نوگورود ، ماری ، لندن و پاریس نمایندگی داشت و در کشورهای مختلف اروپا و آسیا و آمریکا طرف معامله بود . ثروتش بالغ بر ۲۵ میلیون تومان بود . (۳۸) معهذنا همین تاجر بانفوذ و بانکدار و حامی قدرتمند صنعت در نتیجه تسلط فئودالیسم و نفوذ قدرتمند های امپریالیستی از توسعه فعالیت های خود محروم گردید . وی در اواخر سال ۱۹۰۸ (۱۲۹۷ شمسی) در زیر فشارهای بیش از حد شاه - که مرتبا " سهم بیشتری

\* کارخانه های پنبه پاک کنی سابقه قدیمی تری دارد .

\* بارفروش اسم قدیمی شهر بابل است . م .

\* ظاهرا " ابوالحسن اصفهانی باید باشد .

\* در مازندران از نیشکر قند می ساختند . شکر سرخ را با وسایلی تصفیه می کرده اند که اول بار حاج محمد حسن امین الضرب به فکر این کار افتاد و می خواست چند نفر قناد را از اصفهان به مازندران بیاورد . ولی به هر حال شکر سرخ مازندران در حوالی ۱۳۰۴ هجری قمری برای امتحان و تجربه به روسیه فرستاده شد و نتیجه مثبت داد . شاید اینکه در ماه خدی دیده شد که کارخانه قند سازی در مازندران تاء سیس شده از اینجا باشد که در زمان جنگ جهانی اول از وسایل ابتدایی و قدیمی برای تصفیه شکر سرخ استفاده می کرده اند و حتی در تهران در آن زمان قندی وجود داشته به نام قند سیاه شهری که در خود تهران بوسیله شکر خارجی یا داخلی قالب ریزی می شده است .



از او طلب می کرد - مجبور شد خودش را ورشکست \* اعلام کند . شایعاتی وجود داشت که امین الضرب قبلاً " سرمایه اش را به بانک لندن منتقل کرده بود . علاوه بر این وضع معاملاتش چنان بد شده بود که مبلغ پنج میلیون روبل به بانک استقراضی روس بد هکار بود . (۳۹)

در آستانه جنگ جهانی اول امین الضرب کارخانه فلاطوری ابریشم \* خود را که برای او ۳۰۰ هزار تومان تمام شده بود به قیمت ۹۰ هزار تومان به معین التجار فروخت . خریدار جدید با فرا رسیدن تابستان سال ۱۹۱۶ (۱۲۹۵ شمسی) دیگر وسایل و امکان بهره برداری از این کارخانه را نداشت . در این شرایط معین التجار مذاکره با بانک استقراضی را آغاز کرد ، ولی ما از نتیجه آن بی اطلاعیم . (۴۰) نکته مهم این بود که نه امین الضرب و نه معین التجار توانایی تضمین فعالیت این کارخانه را نداشتند . به گفته رئیس بانک استقراضی در ۱۸ جولای سال ۱۹۱۶ " دوماه بود که کارخانه برق امین الضرب دیگر کار نمی کرد " . (۴۱) در همین زمان یکی دیگر از بانکهای اقتصادی وی ، یعنی کوره آجرپزی که نزدیک تهران بود ، تعطیل شد . (۴۲) بنا به گفته کوشربف ( Kucherbaev ) رئیس بانک استقراضی شعبه بارفروش در آن زمان ، " امین الضرب جوان نه تنها ثروت و فعالیت های پدر را توسعه نداد بلکه برعکس آنچه را که از پدرش ، حاج محمدحسن ، به او رسیده بود به نحو قابل ملاحظه ای تقلیل داد " . (۴۳)

این موضوع در باره دارایی وی در گیلان و سایر نقاط نیز صادق بود .

امین الضرب نمونه خوبی است برای ترسیم منحنی نزولی سرنوشت بورژوازی نوخاسته ایران ، که کوشید تا بخشی از سرمایه خود را در صنایع ملی سرمایه گذاری کند .

---

\* حاج حسین آقا امین الضرب خود را ورشکست اعلام نکرده است ولی در اثر فشارهای محمد علی شاه و بانک استقراضی روس مجبور شد با چند نفر از ثروتمندان دیگر من جمله حاج محمد اسماعیل مغاره تبریزی به سفارت روس پناه برد تا به این وسیله بتواند فشار بانک استقراضی روس را بوسیله قزاقهای روسی ، که تقریباً " او را به حالت محاصره در آورده بودند خنثی کند . بانک روس برای وصول طلب خود از مردم با استفاده از کاپیتولاسیون و نفوذهای نظامی قزاق به در خانه مردم می فرستاد .

\* کارخانه های که پبله را تبدیل به نخ ابریشم می کرده است .

## طبقه کارگر

در منابع و مآخذی که وجود دارد شواهد زیادی براین واقعیت دلالت می‌کند که روستاییان منبع اصلی طبقه پرولتاریای نو خاسته ایران بودند. تاریخچه ایجاد شرکت انحصاری نفت انگلیس در جنوب نشان می‌دهد که ساکنان آن ناحیه - و تا حدودی جمعیت ایلی - منبع اصلی نیروی کار بدون مهارت در صنعت نفت را تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۰۳ (۱۲۹۲ شمسی) هنگامی که عملیات منحصربه‌فرد چاه بود، کنسول روسیه در کرمانشاه گزارش می‌دهد که "کارهای ساده خاکبرداری و انواع کارهای ساده بدون مهارت دیگر به وسیله رعایای عزیز خان و بدیلیان، که سوارکارانش ماء مور حفظ تمام اردو هستند، انجام می‌گیرد" (۴۴). این رعایا بعنوان کارکنان شرکت کار نمی‌کردند، بلکه از قرار معلوم به تعهدات تحمیلی عزیزخان عمل می‌کردند. این امر از نظر بقاء مناسبات خویشی - طایفه‌ای در میان ایلات آن زمان ایران کاملاً امکان‌پذیر بود. معهدا شرکت افراد ایلات و جمعیت نیمه‌ایلی بعنوان کارگر غیر ماهر در صنعت یک پدیده عینی مثبتی در توسعه جامعه ایران محسوب می‌شود. ولی این جریان، بدون در نظر گرفتن شرایط محلی و منافع کارگران از طریق بالا انجام می‌گرفت. بنابراین حق با مؤلف کتاب "نفت و خوزستان" کاظم افشین (۴۵) است که انگلیسیها را متهم می‌کند که با فعالیت‌هایشان توسعه نیروهای تولیدی را در خوزستان خنثی کردند و در نتیجه، قسمت‌های اصلی آن نواحی روبه انحطاط نهادند و ساکنانش مجبور شدند که در شرکت نفت کاری دست و پا کنند. افشین می‌گوید که حتی برخی از روستاییانی که به باغداری می‌پرداختند کشاورزی را رها کردند و برای کار به بنگاه اقتصادی انگلیسی روی آوردند.

در هنگام درگیری جنگ جهانی اول، بختیاریه‌ها، اعراب و ایرانی‌ها توده کارگران را در مراکز مهم نفتی مثل آبادان، مسجد سلیمان، ناصری (اهواز) ماماتین\* و محمره تشکیل می‌دادند.

مدرک دیگری این واقعیت را به این صورت تأیید می‌کند که کارگران آبادانی را "روستاییان داخلی ایالت تشکیل می‌دادند. اینها کسانی بودند که در اثر تعدی دایمی دستگاه

---

\* در دست‌نخوانده‌هاست. در فرهنگ جغرافیای ایران جلد ۶ آمده است: ماماتین، دهی از دهستان سرطا است که در بخش رامهرمز شهرستان اهواز واقع است و ۱۵ تن سکنه دارد. م.



اداری و بویژه - تعدی رهبران مالکان - که با روستاییان رفتاری به مراتب بدتر از رفتار سزار با بربرها داشتند - قادر به ادامه کشاورزی نبودند". (۴۶) این مدرک با ارزش همچنین نشان می‌دهد که این روستاییان پیش از تأسیس شرکت نفت معمولاً "به بصره و سایر بنادر خلیج فارس کوچ می‌کردند. این سند همین طور نشان می‌دهد که هرچه یوغ مالک سنگینتر می‌شد و هرچه زارعان زمین خود را بیشتر از دست می‌دادند حرکت آنها به سوی صنعت قوت می‌گرفت.\*

سومین مدرک نشان (۴۷) می‌دهد که در روستاهای اطراف اصفهان درصد زیادی از روستاییان بدون زمین بودند و این روستاها نیروی غیر ماهر صنعت نفت جنوب را عرضه می‌کردند.\* بر طبق این سند بیشتر از ۱۵۰۰ نفر از کارگران شرکت نفت متعلق به ناحیه اصفهان بودند. به هر حال توجه به این جنبه مهم ضروری است که نه همه کارگران و نه حتی اکثریت آنها پیوندهای خود را با روستاها قطع نکردند. قاعده این بود که خانواده کارگران در روستا می‌ماند و اعضای خانواده تا حدی رابطه خود را با کشت و زرع حفظ می‌کرد. این امر قابل فهم است، زیرا در کشوری مثل ایران که ظهور و نضج صنعت خصوصیات ویژه اش را داشته است کسی نباید انتظار داشته باشد که پیوند کارگر با روستا پیش سرعت گسسته شود. علاوه بر این باید متوجه بود که اشتغال بخشی از نیروی کار در صنعت جنبه فصلی داشت (مثل صنایع قند و ماهیگیری) بنابراین بر طبق گفته پ. ریتیک (P. Rittikh) در مدت دو ماهی که تصفیه شکر به طول می‌انجامید تعداد کارگران کارخانه قند بلژیکی در کهریزک به ۳۰۰ نفر هم می‌رسید (۴۸).

خصلت فصلی کار در برخی از رشته‌ها شکل‌بندی هسته منظم کارگران را کند می‌کرد. با این همه، با توجه به ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه ایرانی و با آگاهی از این واقعیت که طبقه کارگر در آغاز شکل‌گیری بود، می‌شود گفت که کار فصلی روستاییان در صنعت گامی به پیش بود: گامی به سوی رهایی روستایی ستمدیده و عقب مانده از کشتکاری و انتقال او به رشته جدید و مترقی از تولید. بزرگترین بلای روستاییان زحمتکش ایرانی از نبودن تناسب بین تضییقات و شرایط سخت، از یک سو، و جذب در صنعت از سوی دیگر - که حاضر بودند

\* مهاجرت روستائینشینان و حتی شهر نشینان بسوی خارج از زمان ناصرالدین شاه مشهود است بسیاری آذربایجانی و گیلانی بسوی بادکوبه و اطراف مهاجرت کردند. مهاجرت اصفهانیها بسوی شهرهای دیگر ایران یا کشورهای خارجه مانند عثمانی و هندوستان و مصر یکی از شواهد اقتصادی این دوره است.

\* بسیاری اصفهانی به طرف نفت جنوب سرازیر شدند.

نیروی کار خود را بفروشد - ناشی می‌شد. فقدان این تناسب\* را، که فاجعه حقیقی جامعه ایران در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بود، می‌توان در نتیجه دیر جانی و استحکام فئودالیسم در کشور و توسعه اندک و کند نیروهای تولیدی و نیز شکلبندی بطئی بورژوازی ملی - که در تحلیل نهایی سرنوشت تاء سیسات صنعتی ایران را تعیین می‌کرد - تبیین کرد.

دومین پایگاه مهم شکلبندی طبقه کارگر را پیشه وران تشکیل می‌دادند اینان شایسته ترین بخش کارگران ایرانی بودند. صنایع بومی از نظر نفوذ فزاینده کالاها ی خارجی در بازارهای ایرانی نمی‌توانست از تاءثیر مخربی که تسلط سرمایه خارجی در کشور اعمال می‌کرد راه گریزی پیدا کند. بنابراین تولید بافتنیهای پشمی، پنبه‌ای و ابریشمی شدیداً با رقابت کالاهای خارجی مواجه می‌شد. فقط رشته قالی بافی و تولید تریاک و چند رشته دیگر، که مورد علاقه سرمایه\* خارجی بود، با رقابت خطرناک مواجه نشد. بقیه رشته‌ها که در نتیجه رقابت سرمایه خارجی دچار بحران می‌شدند دایماً " هزاران نفر از زحمتکشان را از کار بیکار و به خیابانهای کشاندند\* . البته تعداد بیکار شدگان بمراتب کمتر از آن بود که از روستاها می‌آمدند، زیرا روستاییان ۷۵ تا ۸۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. بعلاوه همین خصلت روابط در روستاها از مناسبات درون شهرها قابل تمیز بود، زیرا در روستاها تضییقات و سختیها به تندی پیش می‌رفت.

منبع دیگری که طبقه کارگر اعضایش را از آن گرفته توده شهرنشینان فقیر است.

---

\* به جای گفتگو از مسائلی که جنبه تبلیغاتی آن بیشتر است صحبت از عدم نسبت بین خرج و دخل زارعین در این دوره بهتر و بحقیقت نزدیکتر است. این موضوع در زمان حاضر یعنی ثلث آخر قرن ۲۰ واقعیت دارد که کشاورزان زمینهای خود را رها می‌کنند و بسوی شهر برای فعلگی و حتی گدایی روی می‌آورند و حال آنکه گوش شیطان کر و العیاذ باللله نه مالکی وجود دارد و نه فئودالی. پس یک حقیقت اقتصادی دیگری باید وجود داشته باشد که سبب این مهاجرت‌ها است.

\* من می‌نویسم کالای خارجی یا سرمایه داری خارجی.

\* بیکاری و ورشکستگی و فلک زدگی از خصوصیات اواخر قرن نوزدهم و ربع اول قرن بیستم ایران است. کار از این چیزها گذشته بود. اگر کارگر عادی بیکار بود، کارگر ماهر و حتی عمال دیگر نیز بیکار بودند. چه بسا تاجران که برای گرفتن کار از قبیل نمایندگی و حتی حسابداری و نظارت آشپزخانه از شغل خود، که تجارت بود و بهایشان نان نمی‌داد، تن در می‌دادند و چه خواهشها که نمی‌کردند و همچنین کسانی که امروزه ایشان را مدیر و یا مستخدم اداره می‌نامیم که از اولاد مستوفیان و معاریف متوسط بودند و سواد داشتند و خط را خوش می‌نوشتند و ترسل می‌دانستند و کار می‌خواستند و نبود. همین اشخاص بودند که گاه سر به بیابان می‌نهادند و گاهی سر از هندوستان و گاهی سر از روسیه به در می‌آوردند. می‌شناسیم دونفر معمار را در زمان ناصرالدین شاه به روسیه رفتند تا کار پیدا کنند و برگشتند.



اینان بخش مهمی از جمعیت شهری را تشکیل می دادند . نوشته های سیاحان نشان می دهد که در شهرهای ایرانی ، خیابانها و بازارها بویژه مراکز بزرگ تجارتي پر از اشخاص فقير و بيكار بودند که حاضر بودند نيروي کارشان را در مقابل يك قرص نان بفروشند .

اين واقعيتهای نشان می دهد که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برخی شرایط وجود داشت که برای پیدایش و توسعه طبقة کارگر ایرانی مساعد بود . این موضوع دیگری است که اوضاع از طریق توسعه شرایط مناسب و ضروری برای پویش صحیح شکلبندي طبقة کارگر - از لحاظ کمی و کیفی - در ایران فراهم نشد . این امر به وضعیتی غم انگیز انجامید که هر سال صد ها هزار مهاجر مجبور بودند کشور را ترک کنند . \*

شاید بدون مطالعه مسئله مهاجران امکان نداشته باشد پایه و اساس پیدایش طبقة کارگر را در ایران بدرستی فهمید . افزایش نيروي مهاجرت از ایران به روسیه در نتیجه رشد محدود عناصر سرمایه داری در ایران همراه با توسعه سریع سرمایه داری در روسیه بود که سپاه عظیمی از کارآرزان قیمت را می طلبید . این جریان چنان دامنه های داشت که مهاجرت دهها هزار روستایی ، کارگر و پیشه ور به نقاط مختلف امپراطوری روسیه برای یافتن کاریک واقعه معمولی به شمار می رفت .

بیايیدموضوع مهاجرت غير کشاورزی را در درون خود ایران بررسی کنیم . برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که در آنها سرمایه داری بسرعت رشد کرد ، در ایران دیده نمی شود که کارگران غير کشاورزی از یک ناحیه به ناحیه دیگر مهاجرت کنند . این امر نه بسبب این است که آنها در ناحیه خود کاری پیدا نمی کنند ، بلکه آنها در جستجوی شرایط بهتر کار در جای دیگر هستند . در ایران ، که سرمایه داری در شرایط بسیار پیچیده و مشکل توسعه پیدا کرد ، عرضه نيروي انسانی بمراتب پس افتاده تراز تقاضای آن بود . در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم روستاییان فقير به صورت معمول در روستاها کاری پیدا نمی کردند و در جستجوی کار به شهرها روی می آوردند . در آن زمان تقاضا برای کار در زمینه صنعت نفت در جنوب ، صنعت ماهیگیری در سواحل دریای خزر و فعالیت ساختمانی در جاده ها ، پلها ، بنادر و کارهای مربوطه به آبیاری بود . (۴۹) بسیاری از ماهیگیران سواحل جنوبی دریای خزر از ناحیه خلخال در آذربایجان آمده بودند . در سواحل دریای خزر و خلیج فارس کم نبودند کارگرانی که از نواحی درونی کشور آمده بودند . تعدادی

---

\* یا از گرسنگی و قحطی و یا از مرض درهنگام امراض همگانی دارفانی راوداع کنند . در چنین شرایطی متشکل شدن طبقة پرولتاریا می تواند معنی پیدا کند ؟

از کارگران بندری به صورت کارکنان شرکتهای تجاری یا خدمتکارانم از خانگی یا درموسسات کار می کردند ، ولی این مشاغل از تولید صنعتی بسیار پرت بود .

مجموعه شرایط حاکم در ایران ، مهاجرت های دسته جمعی ایرانیان فقیر را به سوی نواحی جنوبی روسیه سبب شد . علاوه بر این مهاجرت از نواحی شمالی ایران به سوی هرات و از جنوب شرقی و جنوب به سوی کراچی ، مسقط و حتی جزایر زنگبار وجود داشت . (۵۰) به سوی هندوستان و ترکیه نیز مهاجرت هایی صورت می گرفت . اکثر ایرانیانی که در این کشورها (بجز روسیه) مهاجرت می کردند کاری در صنعت نمی یافتند ، زیرا در آنجاها توسعه صنعتی مهمی روی نداده بود . دامنه مهاجرت از ایالات شمالی به کشورهای خارجی ، وسیعتر از نواحی دیگر ایران بود . در تبیین این امر می شود گفت که بخش عظیم جمعیت ایران در ایالات شمالی متمرکز بود و مهمتر از آن اینکه جمعیت این ایالات در سطح اجتماعی - اقتصادی بالاتری از نواحی جنوب و جنوب شرقی ایران قرار داشتند . از این رو مهاجرت از این ایالات حالت جمعی و گروهی به خود گرفت . مطالب بارز شوجالب مقالمن . ک . بلووا ( N.K. Belova ) نشان می دهد که بخش عظیمی از مهاجران ایالات شمالی ایران به ماوراء قفقاز و بویژه آذربایجان روسیه رفتند . (۵۱) آمار مربوط به مهاجرت از ایران خیلی ناقص است ، زیرا فقط کسانی را شامل می شود که برای گرفتن اجازه خروج به کنسولگری عوارض می پرداختند . تعداد بیشماری از مردمان فقیر که مخفیانه از مرز می گذشتند طبیعتاً به حساب نیامده اند . ولی حتی همین اطلاعات پراکنده ، بردامنه وسیع مهاجرت دسته جمعی و فزاینده از ایران به روسیه دلالت دارد . برای مثال در سال ۱۸۹۱ (۱۲۷۰ شمسی) فقط در تبریز ۲۶،۸۵۵ روادید ( ویزا ) داده شده بود که این رقم در سال ۱۹۰۳ (۱۲۹۲ شمسی) به ۳۲،۸۶۶ افزایش یافت . از مجموع روادیدهایی که در سال ۱۹۰۴ (۱۲۹۳ شمسی) در تبریز و ارومیه صادر شده بود تعداد ۵۴،۸۴۶ روادید به کارگران غیرماهر داده شده بود . (۵۲)

بنا به گفته ل . سوبوتسینسکی ( L.Sobotsinski ) در سال ۱۹۱۱ تعداد ۱۹۳۰۰۰ نفر ایران را به قصد روسیه ترک کردند (۵۳) می توان برآوردن . بلووا ( N.Belova ) پذیرفت که در سال ۱۹۰۵ (۱۲۹۴ شمسی) کل ایرانیهایی که از مرکز گذشتند از ۳۰۰،۰۰۰ نفر کمتر بود . (۵۴)

گرچه تعداد زیادی از مهاجرین برمی گشتند - مثلاً " در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰ شمسی) ۱۹۳،۰۰۰ مهاجر از ایران خارج شدند ، ولی ۱۶۰،۰۰۰ نفر برگشتند (۵۵) معهذاپویش مهاجرت به صورت دائمی و مداوم بود چنانکه در ماوراء قفقاز در حدود چند صد هزار ایرانی همیشه وجود داشتند که در رشته های معینی از فعالیت های اقتصادی ، انبوه کارگران را تشکیل



می دادند . صنعت نفت را در آذربایجان روسیه در نظر آوریم که در سال ۱۸۹۳ (۱۲۷۲ شمسی) هفت هزار کارگر در آن مشغول به کار بودند که مهاجرین ایرانی ۱۱ درصد آن را تشکیل می دادند . ده سال بعد شماره کارگران به ۲۳،۵۰۰ نفر رسید که ۲۲/۲ درصد آن را ایرانیان تشکیل می دادند . (۵۶) در سال ۱۹۱۵ سهم ایرانیان افزایش یافت و به ۲۹/۱ درصد (۱۳،۵۰۰ نفر) رسید و مهاجرین ایرانی در صنعت نفت باکو، اولین مقام را در میان سایر گروههای ملی اشغال کرده بودند . (۵۷)

افزایش آشکار ایرانیان در پیکر طبقه کارگر باکو، که از طریق ارقام فوق نشان داده شد ، به وسیله آی.وی. استرایگانف ( I.V.Strigunov ) در کتاب "از تاریخچه شکل بندی طبقه کارگر باکو" تأیید شده است . در استان الیزابت پل ( Elizavetpol ) ایرانیان نیروی اصلی کارگری را در معدن مس تشکیل می دادند و در سال ۱۹۱۲ (۱۲۹۱ شمسی) مهاجرین ایرانی در کارخانه ذوب مس کدابک ( Kedabek ) ۲۷/۵ درصد کارگران دائمی را تشکیل می دادند (۵۸) در مطالعه جی. آروتینیان ( G.Arutiunian ) در رابطه با اعتصابی که در سال ۱۹۰۶ (۱۲۹۵ شمسی) در معادن مس و کارخانههای آهن اللهوردی ( Alaverdi ) در ارمنستان به وقوع پیوست ، آمده است که در حدود ۲،۵۰۰ ایرانی آذربایجانی هسته اصلی اعتصاب کنندگان را تشکیل می دادند . (۵۹)

دهها هزار ایرانی فقیر در شهرهای تفلیس ، باتوم ، ( Batum ) ، گنجه و سایر شهرها و بنادر ماوراء قفقاز کار می کردند . مثلاً " در تفلیس تعداد کارگران غیر ماهری که از ایران آمده بودند بر پنج تا ۶،۰۰۰ نفر بالغ می شد . (۶۰)

تعداد مهاجرینی که در بخشهای مختلف آسیای مرکزی در جستجوی کار بودند نیز قابل ملاحظه بود . بانظر بلووا کمی کوشد خصلت جمعی مهاجرت از نواحی شمال شرقی ایران را به آسیای مرکزی منکر شود ، نمی توان موافق بود . البته دامنه مهاجرت از شمال غربی ایران وسیعتر از نواحی شمال شرقی بود ، ولی این واقعیت وجود دارد که مهاجرت از نواحی شمال شرقی نیز خصلت جمعی و گروهی داشت ، هر چند که نیروهای معینی - مانند عبوراز نواحی مرزی صحرائی ، خطر دستگیری به وسیله خانهای ترکمن ، وجود تقاضای نسبتاً اندک در آسیای مرکزی و غیره - آن را کند می کرد . شواهد همچنین نشان می دهد که کارگران ایرانی از طریق قفقاز نیز به آسیای مرکزی می رفتند . برای مثال ا . م . نیکولوسکی ( A.M.Nikolski ) در سال ۱۸۸۶ (۱۲۶۵ شمسی) گزارش می دهد " در باکو کشتی ما سیصد کارگر ایرانی را که برای کار در راه آهن ناحیه سواحل دریای خزر می رفتند سوار کرد " (۶۱)

همچنین منابع دیگری وجود دارد که به حرکت مهاجرین از شمال غربی ایران به آسیای مرکزی اشاره می کند ، در اسناد کنل کاساکووفسکی ( Kasagovski ) یادداشتی در باره کردها وجود دارد که برخی از کردهای قبیله کاکاوند ( Kakabend ) که در اطراف زنجان زندگی می کنند برای کار به گیلان ، ترکستان ، هرات ، مرو ، بخارا و سمرقند می روند . (۶۲) ایالات شمالی حتی مردمان فقیر را از سیستان به خود جلب می کرد .

ل برای مثال آقای میلر ( Miller ) ، معاون کنسول روسی در سیستان ، گزارش می دهد که ساکنان روستای سی کوه\* ( Sikuhe ) با نواحی دریای خزر در ارتباط اند و هر سال ده تا پانزده هزار نفر برای کار در تعمیرات راه آهن به مرو و عشق آباد می روند . در این گزارش جالب آمده است که در مرو کسانی از همان روستای سی کوه بودند که در کنترات تعمیرات راه آهن نقشی داشتند و برای هم ولایتیهای خود کار پیدا می کردند . (۶۳) در بهار سال ۱۹۰۳ (۱۲۹۲ شمسی) آلمازوف ( Almazov ) پزشک درمانگاه مشاهدات طبی تروبتسکوی ( Trubetskvi ) شرایط متاءثرکننده مهاجرین ایرانی را ، در نواحی ماورای خزر ، به نظر رئیس ارتش ناحیه رسانید . (۶۴)

ب . مانانوف ( B. Mannanov ) راجع به خصلت جمعی و گروهی مهاجرت از خراسان به نواحی ماورای خزر نتیجهای می گیرد که می توان قبول کرد . (۶۵) مانانوف بر مبنای اطلاعاتی که در بایگانیها به آن دسترسی داشته ، مدعی می شود که هجوم مردمی که در جستجوی کار در نواحی ماورای خزر بودند در سال ۱۹۰۹ (۱۲۹۸ شمسی) به چنان حدی افزایش یافت که در خراسان تعداد مراکزی که گذرنامه خارجی می دادند از ده به بیست و پنج رسید (۶۶) در مقاله بلووا آمده است که در سال ۱۹۰۵ (۱۲۹۴ شمسی) در عشق آباد\* ۵۱۵۰ مرد ایرانی وجود داشت (۶۷)

روستاییان فقیر و پیشه وران و افرادی که از قشرهای دیگر جمعیت ایرانی می آمدند سال به سال به صورت فزاینده بنادر دریای خزر و شهرهای ناحیه ولگارا پرمی کردند . تعداد آنان در داغستان و آستراخان زیاد بود . مدارکی در دست است که نشان می دهد کارگران ایرانی برای کارتا معادن آهن کریوئی روگ ( Krivoi Rog ) و معادن ذغال دون ( Don ) پیش رفته بودند . مشهور است که در سال ۱۹۱۵ (۱۲۹۴ شمسی) شاهزاده شاهقلی میرزا ، که مهندس آموخته بود ، از ایران ۱۱۸ نفر را برای کار در معادن آهن کریوئی راگ و معادن ذغال سنگ دون با خود آورده بود . (۶۸)

هجوم توده ساکنان آواره شده از ایران چنان عظیم و مستمر بود که دولت ایران هرگز قادر نبود در چنین مسیری از حرکت جمعیت ، که بطور مداوم سریعتر می شد ، مانعی ایجاد کند .

\* ظاهرا " سیاه کوه

\* عشق آباد و هشتراخان از مراکز اجتماع ایرانیان بوده است .



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين \*

### قربان خاک پای جواهر آسای اقدست شوم

چون راءى بیضای خاکپای اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه عالمیان پناه روحی و روح العالمین فداه تعلق براین دارد که همه روزه بر آبادی ممالک محروسه و رفاهیت عموم اهل ایران توجه فرمایند ، چنانچه مطلبی به نظر بیاید که اسباب ترقی و آبادی مملکت و ملت بوده باشد ، به خاکپای مبارک واجب است عریضه شود . مطلبی به نظر جان نثار آمده ومدتی است خواسته که به وسیله‌ای به عرض خاکپای جواهر آسای مبارک برساند . به ملاحظه اینکه مطلب بزرگی است عریضه نشده و از آنجایی که وقت وموقع ازدست می رود ناچار شده به خاکپای جواهر آسای مبارک عرض نماید ، البته بساط فرنگستان به نظر مبارک رسید ه است ، فرنگستان سابقاً " این اوضاع رانداشته اند با کمال زحمت ومشقت زندگی می کردند . عقلای آنها از قرینه اسبابها تهیه نمودند . به خیال ساختن کشتی بخار افتادند چند نفری با یکدیگر متحد شدند و ساختند و جاری نمودند . چون نفع اورا مشاهده کردند به راه آهن وساختن تلگراف پرداختند ومتوجه ساختن کارخانه‌های ابریشم کشی و قند سازی و بلور سازی وزری وماهوت بافی و چیزهای دیگر شدند تا اینکه متدرجاً " کار را به جایی رسانیدند که آنچه مایحتاج خلق است جمیعاً " را با کارخانه‌های بخار می سازندومی دانند که سبب این است که از اقل سر رشته‌ای که به دست آمده اند رها نکرده‌اند و روز به روز توجه کردند تا کار از پیش بردند به حمدالله والمنة هیچ چیز اهل ایران از فرنگستان کمتر نیست اگر فی الجمله توجه باشد می توان گفت همه چیز ایران از فرنگستان بهتر است . عمده چیزی که اسباب ترقی فرنگستان شده بر پا کردن بانک است . اول قراربانک را دادند پول مردم که در بانک جمع شده است از اعتبار بانک و پول بانک ، کارهای بسیار بزرگ صورت دادند ، تجارتهای بزرگ نمودند راههای آهن وسیمهای تلگراف کشیده شد ه کارخانه‌های معتبر با پول بانک ساخته شده اسباب آبادی مملکت شده است ومطلب واضح است که یک نفر یاد و نفر

قدرت انجام و اتمام کار بزرگ را ندارند . کارهای بزرگ اتفاق دولت و ملت لازم دارد . چنانچه راءى بیضای خاکپای اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه توجه بفرمایند برپا نمودن بانک درایران از جمیع دنیا زودتر و بهتر و آسانتر ممکن است . چنانچه این بانک برپا شود و اعتبار به هم رساند از مملکت خارج پول خود را به این بانک می سپارند و هر کس هرچه دارد به این بانک خواهد داد ، حتی اینکه بیوه زنان ایران هر کدام ده مثقال طلا یا نقره داشته باشند پول می کنند و به بانک می دهند . و ترتیب برپا نمودن بانک با یسد چهار نفر تاجر معتبرمباشر این بانک باشند و بانک ، بانک دولتی باشد و از یکصدالی دویست هزار تومان دولت تنخواه به این بانک بسپارند و چنان تصور فرمایند که درخزانهٔ مبارکه ضبط است و فرمان جهان مطاع مبارک صادر فرمایند که این بانک متعلق به دولت است . قرض بانک ، قرض دولت و طلب بانک ، طلب دولت است و جای مخصوصی هم به جهت این بانک معین شود با اجرای مخصوص بانک که پول از مردم بگیرند و تومانی یکشاهی فرع او را بدهند و تومانی یکصد دینار فرع از مردم بگیرند و مال التجاره بخرند و بفروشند و ترتیبهای او مفصل است که در این عریضه گنجایش ندارد . بعد از آنکه این بانک برپا شود شش ماه گردش او را ملاحظه فرمایند ، چنانچه رشته صحیح معتبری است توجه کامل می فرمایند بعد از آنکه یکسال گذشت همین بانک می تواند تدارک بعضی از کارخانه های معظم بکند که رفع احتیاج رعیت ایران از بعضی چیزهای فرنگستان بشود و هکذا می تواند متدرجا " تدارک راه آهن را بطور سهولت بنماید و راه آهن بسازد و فرضاً " بانک در عرض یکسال ۵۰ هزار تومان منافع تحصیل کرد . عین همان ۵۰ هزار تومان را در فرنگستان تدارک راه آهن می بیند . آنجا که تدارک نمود از پیر بازار تارشت راه را صاف می کند و با آن ۵۰ هزار تومان اسباب راه آهن را خواهد ساخت . بعد از آنکه ساخته شد روزی دویست سیصد تومان کرایه خواهد داشت . مردم همین که دیدند و شنیدند و فهمیدند که می شود و از پیش می رود ، آن وقت بانک می تواند اشتها را نامه بدهد که هر کس می خواهد شراکت کند . در ساختن راه آهن از رشت الی قزوین بانک با او شراکت می کند هر کس هر قدر بخواهد پول بدهد از روی تقسیم منفعت و کرایه خواهد گرفت . اشخاصی که پول دارند در ایران ۲۰ هزار تومان می دهند یک ملک میخرند که در سال ۵۰۰ تومان عاید آنها می شود چگونه خودداری می توانند بکنند و دخیل راه آهن نشوند . ده کرور (نیم میلیون) بیشتر پول پیدا می شود برای شراکت راه آهن و راه آهن خودش ساخته می شود و هر کارخانه که بخواهند خودش می آید و اینها نمی شود مگر آنکه اول باید بانک معتبر برپا شود و برپا نمودن بانک معتبر هیچ کاری ندارد و در نهایت سهولت و آسانی ممکن است و اعتبار و امنیت



از جانب اولیای دولتمی خواهد چنانچه در خاک پای مبارک عرایض جان نثار مقبول است  
این مطلب را رجوع به مجلس دربار اعظم بفرمایند ، چنانچه متفقا " این عرایض را امضاء  
فرمودند توجه بفرمایند به عون الله تعالی بانک معتبر صحیح بر پا خواهد شد . امر امر  
اقدس اعلیحضرت همایون روحنا فداه است .

عریضه چاکر جان نثار حاج محمد حسن امین دارالضرب است

تاریخ ۱۵ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۹۶

ترجمه حسین ادیبی

- 1- Atrpet, Mamed Ali Shah(Alexanderpol, 1909) p. 141.
- 2- Ts.G.V.I.A.(Central State Military-Historical Archives) f. 76,d,190.1.14.
- 3- V.A.Kosogovskii , Iz tegeranskogo dnevnika polkovnika V.A.kosogovskogo, (G.M.Petrov.ed.,Moscow,1960)p.169.
- 4- Atrpet, pp. 138-40.
- 5- S. Olferev, Shelkovodstvo v Gilane v 1904-1905 gg.,SKD, (Collection of Consular Reports),1905.vyp.6,p.454.
- 6- Ts.G.I.A.L. (Central State Historical Archives in Leningrad),f.560,op.28,d.362.1.9;ibid.,d,206.1.12.
- 7- Kosogovskii, p.119.
- 8- Tarikhche si saleh Bank-i Milli Iran, (1307-37),(Tehran) ,p. 65.

۸- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ( ۱۳۰۷ - ۱۳۳۷ ) ص ۶۵ .

- 9- Ts. G.I.A.L.f. 560,op 28,d.362.1.29.
  - 10- Ibid.,f.560,op.82,d.362.I.35; Ahmad Kasravi,Tarikh-i pansad saleh Khuzestan, 3d ed.,(Tehran,1330),p. 253.
- ۱۰- کتاب بالا ، ص ۶۵۰ ، احمد کسروی ، تاریخ پانصد ساله خوزستان ، انتشارات گوتنبرگ ، ۱۳۳۰ ، ص ۲۵۳ .

- 11- Ts .G.I.A.L.,f. 560,op.82,d.362,1.36.
- 12- Ibid., f. 560,op.28d.362.1.58.
- 13- Kosogovskii, pp.140-42.
- 14- Ts. G.I.A.L.,f.560.op.28,d.362,11.23-24.
- 15- AVPR (Archives of Foreign Policy of Russia).f."Persidskii stoll," d.1899, 11. 27-28.
- 16- A. Miller, Proshloe i nastoyashchee Sistana, ocherk. (Saint Petersburg, 1907), p.15.
- 17- Jamalzadeh, Ganj-ishaigan, p.98.

۱۷- محمد علی جمالزاده ، گنج شایگان ، انتشارات کاوه ، ۱۳۳۵ قمری ، ص ۹۸ .



18- Tarikhche, p.52.

۱۸- تاریخچه ... ، ص ۵۲ .

19- Ganj-i Shaigan, p.98.

۱۹- گنج شایگان ، ص ۹۸ .

20- Tarkhche, p.52.

۲۰- تاریخچه ... ، ص ۵۲ .

21- Ibid.,p.53; in Ganj-iShaigan,p.98,the date of foundationis mistakenly given as 1887.

۲۱- کتاب بالا ، ص ۵۳ ، گنج شایگان ، ص ۹۸ .

22- Ganj-i Shaigan,p.98; AVPR,d. 3869,11.51.52.109.

۲۲- گنج شایگان ، ص ۹۸ ، ۱۰۹۰ و ۵۲ و ۵۱ و ۱۱۰ و ۲۸۶۹ .

23- Tarikhche, p.53.

۲۳- تاریخچه ... ، ص ۱۳۹ - ۱۴۱ .

24- Kosogovskii. pp.139-41.

25- Benderev, Astrabad-Bastamskii raion persii (Ashkhabad, 1904) p. 193; AVPR.d.1899, 1.27.

26- A. Shritter, Shelkovodstvo v Gilane v 1906, (SKD 1907) , vyp. IV,p. 317.

27- Atrpet, p.141.

28- Ts. G.V.I.A.f. 13185, op. 3,d.4,1.67.

29- Tarikhche, p.50.

۲۹- تاریخچه ... ، ص ۵۰ .

30- Ibid., p.47.

۳۰- همان کتاب ، ص ۴۹ - ۵۰ .

31- Ibid., pp.49-50.

32- Ibid., pp.51-52; Ts. G.I.A.L.f. 560.op. 28,d. 362, 1. 58.

33- Curzon, Persia, 1: 167-68.

۳۳- جرج کوزن ، ایران ، ترجمهء علی جواهر الکلام ، ابن سینا ، ۱۳۳۰ ، ۱۶۷-۱۶۸ .

34- Tarikhche, pp. 75-81.

۳۴- تاریخچه ، ص ۷۵-۸۱ .

35- Ganj-i Shaigan, p.95.

۳۵- گنج شایگان ، ص ۹۵ .

36- Ts. G.I.A.f. Gruz. SSR (Archives of Georgian Republic) f, 521,op. 5,d. 487,1. 15.

37- Ganj-i Shaigan,p. 95; Ts. G.I.A.L.f. 600,op. 10,d.202 ,1. 61; Archives of MID (Ministry of Foreign Affairs ) SSSR,f. 94,p. 15,d. 32/7,11. 78-79.

۳۷- گنج شایگان ، ص ۹۵ .

38- Ts. G.I.A.L.f. 560,op. 28,d. 362,1. 9;ibid.,d. 206,1. 12-12ob.

39- Ibid,f. 600,op. 9,d. 1.049.11. 71,78,79, and 89.

40- Ibid,f. 600,op. 10,d. 340,11. 162,167.

41- Ibid.,1.162.

42- Ganj-i Shaigan,p. 95.

۴۲- گنج شایگان ، ص ۹۵ .

43- Ts. G.I.A.L.f. 600,op. 10,d. 324,1. 5.

44- Ibid,f. 560,op. 28,d. 1.47.

45- Kazim Afshin, Naft va Khuzistan (Tehrqn, 1333) pp.

69, 117-21.

۴۵- کاظم افشین ، نفت و خوزستان ، تهران ۱۳۳۳ ، ص ۶۹ و ۱۱۷-۱۲۱ .



- 46- Archives of MID SSSR, f. 94, op. 4, a. d. 1. papka 10105, 1. 302.
- 47- Ibid. f. 94, op. 7, a. d. 2, papka 107, 1. 1.
- 48- Rittikh, Otchet, part, p. 121.
- ۴۹ - برای دریا قتن علل مهاجرت رجوع شود :
- 49- On The causes of migration see the interesting document " The movement of population in the town of Maranda in Transcaucasia in search of Work as a cause of rural crisis." AVPR, f. " Persidskii stoll" d. 535, 11. 68-74.
- 50- Ts. G.V.I.A. f. 2,000, op. 1, d, 3,760, 1. 29; ibid. f, 76, 392, 1. 9.
- 51- N.K. Belova " Ob otkhodnichestve iz severozapadnogo Irana, v kontse XIX-nachala XX verk, Voprosy istorii, 1956, no. 10. pp. 112-21.
- 52- V. Minorskii, " Dvizhenie persidskikh rabochikh na - promysly v Zakavkaze," Consular Reports of Ministry of Foreign Affairs, vyp. 3, Saint Petersburg, 1905, p. 206.
- 53- Sobotsinskii. pp. 288.
- 54- Belova, p. 114.
- 55- Sobostinskii, pp. 288-89.
- 56- K.A. Pazhitnov, Ocherki po istorii bakinskoj neftedobывayushchei promyshlennosti (Moscow 1940), pp. 95-97 and tables 18 and 19.
- 57- A.G. Rashin, Formirovanie rabocheho klassa Rossii - (Sotsekgiz, 1958) p. 516.
- 58- Belova, p. 116.

- 59- G.S. Arutiunian, Iranskayarevolutsiya 1905-1911 gg. i Bolsheviki Zakavkaza ( Erevan,1956), pp. 27-28.
- 60- Belova,p. 116.
- 61- A.M. Nikolskii, Letine poezdki naturalista (Leningrad, 1924) p. 129.
- 62- Ts. G.V.I.A.f. 76,d. 392, 1.9 .
- 63- Sb. materialov po Azii, 76:59.
- 64- Ts. G.V.I.A.f. 400,op. 262/919,d. 74,1.50.
- 65- B. Mannanov, " Sotsialno-ekonomicheskii ocherk Khorasana na rubezhe XIX iXX vv." Lenin University, Tashkent 1958,p. 153.
- 66- Ibid.,p.
- 67- Belova,p. 154.
- 68- Ts. G.I.A. Gruz. SSR, f. 13,op. 12,d. 409,11. 6,7,and 21.